

آقای پزشکیان بیایید عهد ببندیم

جواد دلیری

جناب مسعود پزشکیان! اجازه دهید قبل از تبریک به جهت کسب رای اعتماد ملت به جنابعالی گلایه‌ای را طرح کنم؛ در یکی از مناظره‌های مرحله دوم و در پاسخ به سوال مجری گفتید «خبرنگاران معمولا سر و ته جملات را می‌زنند.» با بیان این جمله به نوعی تبعات سخن چند سال پیش خویش را به گردن خبرنگاران انداختید. من به عنوان یک روزنامه‌نگار آن شب آزرده خاطر شدم اما با صداقتی که از شما دیده‌ام صرفا به عنوان یک شهروند و نه رسانه‌نگار، حق را به شما دادم.

امروز که به مقام ریاست‌جمهوری این سرزمین انتخاب شده‌اید، برای‌تان آرزوی توفیق دارم تا دل مردم را شاد کرده و از آزمون عبور ایران از تنگناها، چالش‌ها و بحران‌ها سربلند بیرون بیایید، اما این گلایه را طرح کردم تا بنویسم؛ جناب رییس‌جمهور منتخب! خوب میدانید در دنیای جدید رسانه‌ای و فضای عمومی اجتماعی که مملو از انواع و اقسام وسایل ارتباطی و شبکه‌های نوظهور اجتماعی است، گفت‌وگو جای ارتباط یکسویه رسانه‌ها و مسوولان با مخاطبان را گرفته و به جریان‌ی دوسویه تبدیل شده است؛ همچنان که ما و شما اینجا سخن می‌گوییم.

خوشحالم رییس‌جمهوری برگزیده شده است که از خانه ملت به قلب جمهور ایران پا می‌گذارد. از نهاد و جایگاهی که همچون رسانه، ناظر و پرسشگر بوده و بارها طعم شیرین پرسشگری را چشیده است. بارها صدایش برای مردمی که او را به نمایندگی برگزیده بودند در برابر قدرت برخاسته و البته گاهی نیز کامش از زور قدرت و زبان زمخت آن تلخ گردید.

این وجه مشترک امروز ما اهالی رسانه و شماست تا زمانی که هنوز سکان قوه اجرایی را به دست نگرفته‌اید. اما حتما شما هم تصریح می‌کنید طبع قدرت سلطه و کنترل است، گو اینکه بعضا به قهر و سرکوب نیز میل پیدا می‌کند، درحالی‌که طبع رسانه نظارت، نقد و پرسش است و

غالبا نیز به حکم قدرت، از وظیفه نظارت، پرسش و نقد باز میماند و البته قهر و غضب اهالی قدرت نسبت به اصحاب پرسش حکایت امروز و این ایام نیست. امید داریم؛ شما در قدرت هم طرف درست بایستید.

اهالی قدرت بی‌مهاری، کرسی حکمرانی خود را جایی استوار می‌کنند که وزن ناآگاهی مردم در آن بیشتر باشد، غافل از آنکه ناآگاه نگه داشتن جامعه امری غیرممکن یا دست‌کم دشوار است. بدین قرار عقلانی کردن فضای جامعه که جوهره و جان‌مایه رسانه است طبیعتا بر مذاق اهل قدرت خوش نمی‌آید. می‌دانیم خمیرمایه رسانه، «خبر» است و جوهره دموکراسی، «آگاهی». گردش آزادانه و عادلانه خبر توسط چرخ رسانه پدیده «جامعه آگاه» را به وجود می‌آورد. وقتی جامعه‌ای به قدرت آگاهی، شناخت و تفکر دست پیدا کند به جست‌وجوی ارزش‌های والای زندگی سیاسی می‌پردازد. تصور یک جامعه دموکرات بی‌خبر و کم‌اطلاع همان اندازه محال است که وجود یک نظام بسته با رسانه‌های آزاد. رسانه‌ها با رواج بازار نقد، جدل و پرسشگری فضای جامعه را شفاف و چرخه تصمیم‌گیری و حکمرانی را تسهیل می‌کنند و به رفع بحران دوری مردم از حاکمیت و ترمیم شکاف ساختار اجتماع از قدرت کمک می‌کنند. در جامعه برخوردار از رسانه‌های برومند و بصیر، قدرتمداران به راحتی نمی‌توانند دروغ بگویند. رسانه‌ها با گرفتن لکنت از زبان مردم و زدودن ابهام از لسان حاکمان مانع از آن می‌شوند که جامعه و حکومت در دام فریب و دورویی گرفتار شوند. اینک تاریخ سیاست این مرز و بوم می‌بیند رییس‌جمهوری جدید به نمایندگی از ملت، نماد قدرت، مشروعیت و اقتدار ملی شده است و به عنوان عضوی جدید از کانون قدرت رسمی، دوباره «عدالت» را زمزمه می‌کند.

قبل و بعد از برگزیده شدن به درستی خطاب به همکاران ما گفتید: «شما به عنوان رسانه باید حق و حقوق انسان‌ها، طبقات و جامعه را موردتوجه قرار دهید.» حال ما می‌گوییم: «عدالت» در هر زمینه‌ای مستلزم آن است که هر شهروندی اولاً «حق» و ثانیاً «توان» به اطلاعات مطلوب و در بسیاری از موارد کمیاب دسترسی داشته باشد. بر این اساس، همه مردم باید بتوانند به مجموعه اطلاعات و اخبار دسترسی و عملاً امکان بهره‌مندی از این اطلاعات را از طریق مشارکت در روند اطلاع‌رسانی و داشتن رسانه‌های آزاد داشته باشند. اگر حکومتی حق دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات را به رسمیت نشناسد و در این مسیر تسهیلات لازم را فراهم نکند، نمی‌توان باور کرد مسوولانش قادر به مقابله جدی با نابرابری‌های اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی باشند؛ چون بزرگ‌ترین ضامن رسیدن به عدالت همه‌جانبه، در عصر ارتباطات،

